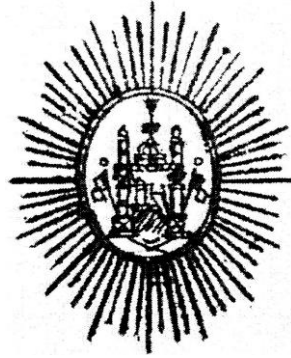


هو الله تعالى



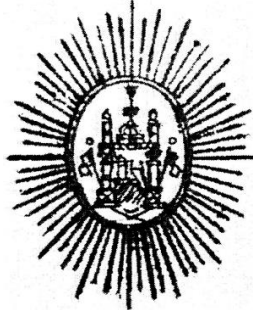
نظامنامه جزای عمومی

(در مطبعه دائره تحریرات مجلس عالی وزرا طبع گردید)

۱۷ میزان سنه ۱۳۰۲

جلد (۲۰۰۰)

تعداد طبع ثانی



بسم الله الرحمن الرحيم

نظامنامه جزای عمومی

مقدمه

قاعده

(۱)- چنانچه اجرای مجازات جرایمیکه براه راست بر علیه حکومت واقع میشوند بدولت عائد است، همچنان از جمله جرایمیکه بر علیه یک شخص بوقوع برسند، تحدید درجه تعزیرات آنها که تابع بتعزیر شرعی و سیاسی باشند بدولت عائد بوده، بنابراین در باره این دو نوع مجازات این نظامنامه جزا چنانچه مقدار های آن بقرار رای اولوالامر بیان گردیده، و از سببیکه درباره جرایمیکه بقصاص ودیت و حد تابع میباشد احکام منیفه شرعیه را نیز حاوی است، بنابراین کافه مندرجات آن مطابق شرع انور (محمدی) است، و آن فصول تمسک القضاة الامانیة که متعلق بجزاست از مربوطات این نظامنامه شمرده میشود.

(۲)- جرمهائیکه قانوناً مستوجب مجازات هستند سه نوع است:-

اول قباحت ؛ دوم جنحه ؛ سوم جنایت

(۳)- قباحت مستلزم مجازات تکدیریه، جنحه مستلزم مجازات تادیبیه، جنایت مستلزم مجازات تریبیه، جرمهائی هستند.

(۴)- مجازات تکدیریه عبارت است از جزای نقدی از یکروپیه الی دو صد روپیه، و یا از بیست و چهار ساعت الی یکماه حبس.

(۵)- مجازات تادیبیه عبارت است از دو صد روپیه بالا تر الی سه هزار جزای نقدی، و از یکماه الی سه سال حبس، و یا جزای ضرب یعنی لت از (۳) دره الی (۳۹) دره.

(۶)- مجازات ترهیبیه عبارت است از جزای نقدی بالاتر از سه هزار روپیه، و جزای حبس از سه سال بالا تر الی حبس دوام و اعدام، و جزای ضرب از (۳۹) دره الی (۱۰۰) دره، مراد از حبس دوام بیست سال محبوسیت است.

(۷)- جزای جرایمیکه از نوع جنحه باشد، تنها بیک لنگ نه و لانه در محبوس خانه اکمال مدت حبس خود را مینماید محبوسین در محبوسخانه بصنایع اشغال میشوند، و مبلغیکه از آن حاصل کنند بقوت و معاش شان رسانیده میشود و مقداریکه برای شان کفایت نکند از طرف دولت اکمال میگردد، محکومین قباحت در توفیخانه متوقف مینانند.

(۸)- جزاهائیکه از نوع جنایت باشند، بزولانه انداخته شدن به هر دو یا سما مجرم در بندیخانه های عمومی ادا میشود، و نظر باقتضای جرم، بندیها در خدمت شاقه دولت گماشته میشوند، و از طرف دولت برای شان خوراک داده میشود.

(۹)- جزای ضرب یعنی لت در صحن سرایهای حکومتی در حالیکه یکی از مفتی های محکمه شرعیه جزائیه که اعطای حکم نموده، و یکنفر منصبدار کوتوالی، و عندالاقضا نایب الحکومه و یا حاکم، و یکنفر مفرزه نظامی و کوتوالی موجود باشد، در پیشروی یک جم غفیر اهالی اجرا میشود.

(۱۰)- جزای ضرب با مراسم ذیل اجرا میابد:- مفتی محکمه جزائیه، با مفرزه نظامی و کوتوالی که در قاعده بالا ذکر شده، در صحن سرای حکومتی، و یا در صحن وزارت عدلیه عین در جای وسطی آن اخذ موقع مینمایند، و اهالی بدورادور صحن ایستاده و یک میدان وسیعی بوجود آورده اجتماع میکنند، متعاقباً محکوم علیه بمیدان آورده میشود، و مفتی همان محکمه که در باره او اعطای حکم نموده، حکم فیصله شده گی را باآواز بلند میخواند بعد از ختم قرانت محکوم علیه از کالای بالا پوش برهنه شده در صحن مذکور بقسم راکعانه ایستاده شده، یک شخص دیگر از کوتوالی مقابل او ایستاده شده سر او را در بغل میگیرد، جلا و کوتوالی دره شرع شریف را گرفته، بموجب اشاره که از طرف مفتی داده میشود یک بعد دیگر ضربه ها را در پشت مجرم فرد می آرد، در اثنای ضرب دست راست از شانه باید بالاتر نشود و بعد از تماس ضرب بجلد دره باید بر جلد کش کرده نشود بعد از پوره شدن عدد مطلوب بموجب اشاره مفتی محکمه عدلیه عملیات ختام می پذیرد، و متعاقباً اگر محکوم علیه علاوه بران بجزای حبس هم محکوم گردیده باشد به بندیخانه سپرده میشود، و اگر اضافه بران محکومیتی نداشت آزاد گذاشته میشود، و اگر محکوم علیه، زن باشد در حضور محکمه شرعیه جزا بصورت سازانه زده میشود، و ایفای تشهیرات فوق در شان او ضرورت ندارد، و سر او را باید شخص مجرم بگیرد و اگر محرم نباش زن دیگر را مکلف سر گرفتن او بدارند.

(۱۱)- هیچ مامور دولت تا حکم یک محکمه جزائیه نباشد هیچ کس از رعایا را بهیچ وسیله و بهانه ضرب نمیتواند، و هم حکمی را از محکمه صادر گردد بالذات بدست خود اجرا کرده نمیتواند، جزای ضرب فقط بشکل و صورتیکه در بالا ذکر شده اجرا پذیر میگردد.

(۱۲)- مراد از جزای اعدام، قتلپست که طرز آن از حضور پادشاهی صادر میگردد.

طرز اجرای هر حکم اعدام در اثنای منظوری اعلامی که حکم اعدام را حاوی بوده از طرف اشرف پادشاهی تصریح و اراده فرموده میشود.

- (۱۳)- زنیکه بجزای اعدام محکوم گردیده باشد، اگر حامله بود بعد از وضع حملش مجازات میشود.
- (۱۴)- مردانیکه بجنایت محکوم باشند، پیش از آنکه آنها را در بندیخانه ببرند، بشهرگشاندن شده تشهیر میشوند.
- (۱۵)- هرگاه یکی از تبعه دول اجنبیه باشند افغانستان مرتکب جرمی گردد که مستلزم جزا باشد، بر طبق نظامنامه جزا مانند سائره تبعه افغانستان مجازات میشود.
- (۱۶)- یک شخص پس از آنکه بصورت قطعی بیکی از مجازات ترهیبیه محکوم شد، در اثنائیکه در حبسخانه باشد، و یا بعد از اكمال مدت حبس خود در ظرف ده سال دیگر مرتکب چنان یک جنایتی گردد که مستلزم حبس پانزده سال و یا زیاده بران باشد سیاستا اعدام میشود.
- (۱۷)- هرگاه بر بالای یک شخص دیت شرعی، و تضمینات شخصیه ورد اموال مسروقه، و جزای نقدی و مصارف محاکمه یکجائی حکم شود، از همه اول اول مقدار دیت شرعی و تضمینات شخصیه و اموال مسروقه از وی گرفته میشود و بعد از آن جزای نقدی و مصارف محاکمه، و مانند آن حق دولت از وی استحصال میگردد.
- (۱۸)- مصارف محکمه بر ذمه محکوم علیه است.
- (۱۹)- اشیاییکه اعمال، و استعمال، و نقل و محافظه، و بیع و شراری آن جرم را بوجود می آرند، اگر چه بفاعل جرم تعلق نداشته باشد هم مطلقاً از طرف دولت، ضبط و مصادره میشود.
- (۲۰)- اشخاصیکه بکدام جنایت و جنحه که امنیت داخلی و خارجی دولت را اخلال نماید جرأت ورزیده باشند بعد از اكمال نمودن مدت جزائیه که قانونا برای شان معین است بهمه حال در تحت نظارت کوتوالی میباشند.
- (۲۱)- بودن در زیر نگرانی کوتوالی عبارت است ازین چند چیز:
- اول:- اقامت کرده نتوانستن در محلهائیکه حکومت آنرا تعیین نموده است.
- دوم:- محلی را که در آن اقامت میورزد و یا جاهائیکه تا برسیدن محل اقامت خود از انجاها میگذرد، آنرا تعیین و بیان نمودن.
- سوم:- در تذکره مروری بقسمیکه گفته شد اشارت کردن.
- چهارم:- بمجرد رسیدنش در آنجا در ظرف بیست و چهار ساعت از ورود خود بحکومت خبر دادن.

پنجم:- در حالیکه از آنجا بیکطرف دیگر رفتن آرزو داشته باشد سه روز بیشتر بحکومت خیر داده مجدداً تذکره مرور خود را گرفتن، کسیکه در زیر نظارت ضبطیه بوده و با وجود آن باین شرایط رعایت نکند کم از کم بجزای حبس یکسال محکوم میشود.

(۲۲)- ماموریکه بمحبوسیت مدت لا اقل دو سال محکوم گردیده باشد، به این شرط که آینده در هیچ یکی از خدمات دولت ازو کار گرفته نشود طرد کرده میشود.

ماموریکه مرتکب جرم سرقت اموال دولت و اخذ رشوت گردیده باشد، الی الابد از خدمت دولت طرد میشود.

(۲۳)- در اثنای وقوع جرم کسانیکه سن سیزده سالگی را پوره نکرده باشند، از قوه ممیزه محروم دانسته میشوند، و از جزمیکه کرده باشند مسئول شناخته نمیشوند، هرگاه از سبب جرم ایشان دیت لازم شود بعاقله متعلق میشود و خود ایشان بوالدین و ولی ها و وصی های شان تسلیم میشوند، مگر هرگاه اینچنین بچه ها پیش از آنکه سال پانزدهمین سن خود را پوره کنند با لکتر ارار ایشان یک جرمی سرزند از کسانیکه محافظه شان مامورند از صد روپیه الی دو هزار روپیه جزای نقدی گرفته میشود.

(۲۴)- در حین وقوع جرم بچه هائیکه سال سیزدهم عمر خود را پوره نموده و سال پانزدهم را اکمال نموده باشند، جزای شان بدرجه نصف مقداریکه در نظامنامه مصرح گردیده است، حکم میشود. اگر جرم مستلزم اعدام باشد، بعوض آن ده سال حبس میشود، و از اینچنین بچه ها جزای نقدی هم مناصفه گرفته میشود.

(۲۵)- هرگاه ثابت شود که مجرم در عین وقوع جرم بحال (جنت) یعنی دیوانگی دو چار بود، از مجازات معاف دانسته میشود.

(۲۶)- هرگاه ثابت شود که یک شخص یک جرم را که اصلاً عرضای او نبود مجبوراً مرتکب گردیده است از مجازات معاف دانسته میشود، تنها درینباب مجبوریتی که معتبر است نظر به درجات جرم اولاً عبارت است از وقوع یک چنان کیفیتی که آنشخص را تماماً و کاملاً از شعار همت بری الذمه نشان بدهد، و ثانیاً پیش آمد یک چنان ضرورتیکه او در مقابل آن مقاومت کرده نتوانستن خد را ثابت بسازد الا از قبیل امر والدین به اولاد و یا از بادر بخدمتگار حالاتیکه از تعظیم و احترام نشست میکنند آنها را مجبوریت گفته نمیشود.

(۲۷)- فعلیکه بضرورت دفع فوری یک تعرض ناحقی که خواه بر نفس و غرض خود شخص و یا گیری واقع شود، و جلوگیری آن بدیگر صورت ممکن نباشد آنرا جرم گفته نمیشود.

بناءً علی ذلک فاعل آن از جزا معاف دانسته میشود، افعالیکه در اثنای نهب و سرقتیکه به اجرای جبر و شدت بوقوع پیوسته باشد، و یا خود در سرقتهایکه مورث چنان یک ضرر عظیمی میشوند که اراده و اختیار یک شخص را لعل دارد میسازد بوقوع برسند، و یا هر گونه افعالیکه برای دفع سارق و نائب اجرا شود و یا در حالیکه استرداد مال ممکن نباشد هرگه یزمی مدافعه خود و محافظه تشخیص و استرداد فوری مال افعالی بوقوع برسند آنها را نیز جرم گفته نمی شوند.

هرگاه در اجرای یک حکمیکه از روی شرع و نظام و یا امریکه از کدام مرجع نظامی داده شده باشد، یک فعلی واقع شود جرم شمرده نمیشود.

(۲۸)- اموال مسروقه در دست هر کس که باشد از روی گرفته میشود مگر جزا عاید است بفاعل سرقت.

(۲۹)- هرگاه یک چند نفر اشخاص متعدد متحداً مرتکب یک جنحه و یا جنایت گردند، و یا آنکه در یک جنایت و یا جنحه که از افعال متهدده مرکب باشد از چند نفر اشخاص هر کدام شان بغرض حصول جرم، یکی و یا یکچندی از افعال مزبوره را اجرا کنند، اشخاص مذکوره را هم فعل گفته میشوند، و همه شان مانند فاعل مستقل آن فعل اجزا می بینند.

(۳۰)- کسانیکه به اعطای هدیه، و یا نقود، و یا به اجرای تهدید، و یا به اعمال حيله و دسيسه، و یا بصرف نفوذ، و یا بصورت استعمال بیجای حکم ماموریت خود دیگر را بوقوع یافتن یک جنحه و یا جنایت تحریک نمایند، و یا بوقوع یک جنحه و جنایت واقف گردیده برای حصول آن تجویز نمایند، و یا اسلحه و آلات و وسایطی را که مداد وقوع یک جنحه و جنایت باشد دیده و دانسته تدارک کنند، یا در افعالیکه سبب آماده گی و یا تسهیل و یا اکمال یک جنحه و جنایت باشند دانسته با فاعل اصلی آن معاونت ورزند، همه این قسم کسان فرعاً ذی مدخل همان جنحه و جنایت شناخته میشوند.

کسانیکه بر خلاف اینست حکومت، و امنیت عمومی، و امنیت اشخاص و اموال دست درازی و یا استعمال جبر و شدت مینمایند، و یا بر افعال و حرکات ارباب جرایم واقف بوده بآنها بالاخیار خوراک و خوابگاه و جای پناه و جای اجتماع میدهند نیز فرعاً ذی مدخل شمرده میشوند، کسانیکه اشیائی را که بصورت عصب و یا سرقت، و یا خود از وقوع یافتن یک جنحه و یا جنایت استحصال گردیده باشند، تماماً و یا قسماً دانسته حفظ و اخفا نمایند، نیز در همان افعال ذی مدخل شناخته میشوند، و نظر به این حالات مختلفه در باره کسانیکه فرعاً ذی مدخل یک جنحه و یا جنایت باشند بوجه ذیل جزا حکم میشود:-

اگر اصل فعل مستلزم اعدام و یا حبس دوام باشد، در باره کسانیکه در آن فرعاً ذی مدخل اند از ده سال تا پانزده سال جزای حبس.

اگر اصل فعل مستلزم جزای حبس از ده سال تا پانزده سال باشد، در باره کسانیکه فرعاً ذی مدخل باشند (از سه سال تا پنجسال جزای حبس).

اگر اصل فعل مستلزم جزای حبس از سه سال تا ده سال باشد، در باره کسانیکه فرعاً ذی مدخل اند (از دو سال تا سه سال جزای حبس).

در مسائل جنحه جزای کسانیکه فرعاً ذی مدخل باشند، (بقدر دو ثلث جزای اصل فاعل است).

(۳۱)- در حالیکه یک وارث عدم وقوع قتل را دانسته بر یک شخص به دارک شاید زور دعوی قتل اقامه نماید و بطلان دعوی او بصورت برحیات بودن مقتول ثابت شود (وارث مدعی جزای شاهد زور می بیند).

باب اول

(جنحه و جنایاتیکه ضررشان عام است، و مجازات برای آن مقرر گردیده)

(فصل اول)

(جنحه و جنایاتیکه ملیت خارجیه افغانستان اخلاص مینماید)

(۳۲)- با دشمنان افغانستان متفق گردیده بر علیه افغانستان یعنی بر خلاف افغانستان سلاح گرفتن (اعدام).

(۳۳)- یکدولت اجنبی را بر علیه افغانستان بحرب برانگیختادن (اعدام).

(۳۴)- در داخل شدن و حتمن بافغانستان سهولت بهمرسانیدن و بغرضیکه دشمن به آسانی در افغانستان راه و استیلا یابد، راه ها، و ریل ها، و قلعه ها، و ماشینخانه های افغانستانرا تخریب نمودن، و عسکر دشمن را بسلاح و پول معاونت دادن و عسکر افغانستان را در مقابل دشمن به عدم مقاومت تشویق نمودن، و یا برای از قوه بفعال آوردن یکی ازین جنایات هب دشمن مخابره کرده (اعدام).

(۳۵)- بدشمن از ترتیبات عسکریه مملکت و نشستہ های مدافعه و تعرض و مقدار قوه عسکریه، و الحاصل یکی از اسرار عسکری و اسرار مهمه سیاسی را خبر دادن (اعدام).

(۳۶)- عسکر افغانستانرا بفرار کردن بسوی دشمن تشویق و اغوا نمودن (اعدام).

(۳۷)- بیک سری از اسرا سیاسی و عسکری دولت بحسب ماموریت خود واقف گردیده در حال عدم مازونیت آنرا بدشمن افشا نمودن (اعدام).

(۳۸)- در جدا ساختن و علیحده گردانیدن یک قسم اراضی افغانستانرا از افغانستان، و یا خود را بخابرای تاسیس دادن یک اداره مستقله جداگانه از اداره دولت کوشیدن (اعدام).

(۳۹)- بغرض کوشش در ایجاد یک حرب بر علیه افغانستان بخاک یکدولت اجنبی بناه بردن (اعدام).

(۴۰)- پیش از اعلان حرب یکی از تبعه افغانستان و در خدمت عسکریه دشمن بوده پس از اعلان حرب نیز در همان خدمت دشمن پائیدن (پانزده سال حبس).

(فصل دوم)

(جنگه و جنایاتیکه اینست داخله افغانستانرا اخلال مینماید)

(۴۱) - تبعه افغانیه را بر علیه حکومت به بغی و عصیان تشویق دادن و متعاقباً فعل عصیان بوقوع آمدن (اعدام).

(۴۲) - بی وقوع فعل بغاوت، فقط در تولید ماده بغاوت کوشیدن (جنس پانزده سال).

(۴۳) - بیرقها و نشانهای افغانستان، و یا دول اجنبیه دوست او را بغرض حقارت و استخفاف پاره کردن (از دو سال تا سه سال حبس).

(۴۴) - تشویق نمودن اهالی افغانستانرا بمقابله یکدیگر، و بدینغرض آنها را بصد همدیگر مسلح گردانیدن (اعدام).

(۴۵) - جرائمیکه در قاعده های (۴۱) و (۴۲) و (۴۴) بیان گردیدند، هرگاه از طرف بعض جمعیت ها بعمل آید رؤسای شان (اعدام) و نفری شان (حبس دوام) میشوند، علاوه بران جنایت هائیکه درین قاعده ها بیان گردید، هرگاه درانخصوص در میان بعضی اشخاص مذاکره و مفاهمه بمیان آید، و به بعضی اسباب توسل ورزیده شود کسانیکه در مذاکره و مفاهمه شامل باشند:

رؤسای شان (حبس دوام).

و باقی شان (پانزده سال حبس).

اگر تنها مذاکره بوقوع آید و باسباب توسل ورزیده نشود:

رؤسای شان (ده سال حبس).

باقی اعضا (هفت سال حبس).

اگر از میانه شان یکنفر تکلیف نماید، و دیگران تکلیفش را رد نموده قبول نکنند، شخص تکلیف کننده (پنجسال حبس).

و کسانیکه تکلیف او را رد نموده بدولت خبر ندهند (از شش ماه تا یکسال حبس).

کسانیکه بتدارک و اعمال و احضار و اعطای سلاح و آلاتیکه یک جمعیت فسادیه برای اجرای مقصد خود بآن محتاج است، پردازند:

هرگاه ماده فساد بموقع فعل آید (اعدام).

و الا اگر بموقع فعل نیامده بدرجه تشبث باقی بماند (پنزده سال حبس).

و چون در افغانستان تجارت اسلحه جاریست، بنابراین کسانیکه به پیشه اسلحه فروشی و تجارت سلاح مشغول باشند، هرگاه از آن وقوف نداشته باشند (از جزا معاف هستند).

(۴۶)- کسانیکه عسکر دولت را به بلوا و بغاوت تحریک و تشویق نمایند (اعدام).

(۴۷)- قصداً ماشین خانه ها و انبار خانه های دولت را احراق نمودن (اعدام).

(۴۸)- کسانیکه بتاراج کردن نقود و اشیای رعیت و دولت تشبث و رزند رؤسای شان (اعدام).

و بقیه نفری (حبس دوم).

(۴۹)- دزدانیکه در کوه ها و صحرا ها مسلح گشت و گذار نموده مردمانرا لخت میکنند، اگر بمطابق تمسک القضاة الامانیه حد لازم شود بعد از تاوان (از پانزده سال تا حبس دوام).

(۵۰)- هرگاه کسانیکه بمقصد قطع طریق، در کوه ها و صحرا ها مسلح گشت و گذار نموده قبل از دزدی و تاراج گرفتار شوند (از سه سال تا پنجسال حبس).

(۵۱)- از ارباب شقاوت مستمره کسانیکه قبلاً هم مرتکب جنایت گردیده باشند، و یا رهنانیکه در دست افتاده گان خود را شکنجه و اذیت مینمایند، و یا در اثنای قطع طریق مرد مانرا میکشند (اعدام).

(۵۲)- اگر رهنان کسی را قتل نکرده، و مال نگرفته مجروح کرد اگر مطابق تمسک القضاة الامانیه حد لازم نشود بعد از تاوان (از پنجسال تا ده سال حبس).

(۵۳)- در کوچه ها و میدانها بغرض تشویق مردم برای عصیان، اوراق مضره مطبوعه را نشر کردن، و یا برای این مقصد نطقها گفتن، هرگاه عصیان بظهور آید (اعدام).

و هرگاه بظهور نیامد (نفی دوام).

و اگر تکرار در محل دیگر هم از ایشان اینگونه اوضاع سرزند اگر چه فعل عصیان بظهور نیاید (اعدام).

(۵۴)- کسانیکه اخبار ها و بیان نامه هائیکه بغرض تشویق مردم برای عصیان نوشته شده باشند در نزد خود داشته هنوز توزیع ننموده باشند (از پنجسال تا هشت سال حبس).

فصل سوم

(در باره رشوت)

(۵۵) - قاضی ها و جمله مامورینیکه وظایف و خدمات رسمیه را در عهده گرفته اند، و اعضای منتخب و منصوب جمیع مجالس رسمیه، و کسانیکه از آحادناس مانند حکم و اهل خبره بوده با یک وظیفه رسمیه مکلف هستند، و وکیل های و عوای، برای نکردن چیزهاییکه نظاماً و قانوناً بکردان آن مجبورند و یا برای کردن چیزهاییکه نظاماً و قانوناً به آن مجبور نیستند، پول و یا اشیائیکه بنام هدیه بگیرند، و یا سائر منافعیکه به اینصورت برای خود تامین مینمایند، و فرق فاحشی که در بین قیمت حقیقه و ثمن مسمای اموال و ملائیکه برای همین مقصد خواه کم و یا زیاده بیع و شرا شوند، گرفته میشود رشوت است.

(۵۶) - یک ماموریکه بغرض باطل گردانیدن یک حق رشوت بگیرد (سه چند مقداریکه رشوت گرفته است از وی بقسم جزای نقدی استرداد گردیده از سه سال تا پنجسال حبس).

(۵۷) - هرگاه رشوت تنها برای وعده کردن و یا نکردن کدام کاری گرفته شده بطلان حق بعمل نیامده باشد (سه چند مقدار رشوت از وی استرداد گردیده از دو سال تا سه سال حبس میشود).

(۵۸) - راشی یعنی رشوت دهنده بصورت اول رشوتیکه داده است بقسم جزای نقدی از وی ضبط گردیده علاوه بران (از یکسال تا سه سال حبس).

و نظر بصورت ثانی (تنها همان رشوتیکه داده است بقسم جزای نقدی او بخرینه دولت میرسد).

(۵۹) - اگر هنوز رشوت داده و گرفته نشده باشد، و تنها در باره اخذ و اعطای ان یک گفتگو و یا مقاوله تحریری بعمل آمده باشد (راشی و مرتشی بصورتیکه در قاعده های بالا ذکر شد جزا می بینند).

(۶۰) - هرگاه یک آدم برای محافظه جان و مال و عرض خود و الحاصل برای حفظ یک منفعت مشروعه خود برشوت دادن مجبور گردد، رشوتیکه داده است واپس بخودش اعاده میشود، و تنها مرتشی جزا می بیند.

(۶۱) - هرگاه یک مامور در صورتیکه برایش رشوت تکلیف شود و او آنرا قبول ننماید و متعاقباً بدولت خبر بدهد، خودش علناً از طرف اشرف پادشاهی با یک تحسین نامه تلطیف گردیده و راشی جزا می بیند.

(۶۲) - کسیکه برشوت دادن مجبور شود، و رشوت را بمرتشی داده باید در ظرف یکهفته بدولت خبر بدهد، هرگاه بدلائل مقنعه رشوت را اثبات نمود شخص مذکور از جزای راشی معاف میشود.

فصل چهارم

(در باب سرقت اموال)

(۶۳) - کسیکه اموال دولت را نقداً و یا جنساً بدسیسه و جعل کاری خیانت کند، هرگاه نقد باشد دو مثل آن وجه نقد و اگر جنس باشد دو مثل قیمت همان جنس از نزدش استرداد گردیده بخزینه دولت داخل میشود، علاوه بران برای کمتر از نصاب شرعی یکماه جنس، و از نصاب شرعی الی هزار روپیه از یکسال الی سه سال حبس، و از هزار روپیه اضافه الی ده هزار روپیه از سه سال تا ده سال حبس، و اگر اضافه از ده هزار روپیه باشد از یازده سال الی پانزده سال حبس، و مطابق ماده (۲۲) از ماموریت طرد.

(۶۴) - کسیکه اموال دولت را نقداً و یا جنساً سرقت نماید، اگر مطابق تمسک القضاة الامانیه حد لازم نشود اضافه از نصاب شرعی الی یکصد روپیه یکسال حبس، از یکصد روپیه اضافه الی هزار روپیه از دو سال تا سه سال حبس، و از هزار روپیه اضافه الی ده هزار روپیه از پنجسال تا ده سال حبس، اضافه از ده هزار روپیه از یازده سال تا پانزده سال حبس کرده میشود، و هرگاه نقد باشد دو مثل آن وجه نقد و هرگاه جنس باشد دو مثل قیمت همان جنس از نزد مجرم استرداد گردیده بخزائن دولت داخل میشود و مطابق ماده (۲۲) از ماموریت مطرود شمرده میشود.

(۶۵) - کسیکه در وقت بیع و شراء اشیاء به حساب دولت در معاملات خرید و فروش آن دست بازی نموده خود از آن مسفید گردد قرار قاعده (۶۴) جزا می بیند.

(۶۶) - اگر مرتکبین جرمهاییکه در همین سه قاعده فوق بیان گردیده ملازمت دولت نباشد باوجود آنهم مانند بالاجزا می بینند.

(۶۷) - هرگاه یکی از مامورین دولت حق یک آدمی را که از دولت میگیرد تماماً نداده یک قسم آنرا خودش بگیرد (دو مثل پیسه گرفته گی از وی استرداد گردیده پنجسال حبس میشود).

(۶۸) - هرگاه یکی از مامورین دولت، اجرت عمله را که برای کار دولت استخدام نموده است کم بدهد و یا هیچ نداده خودش بگیرد (پیسسه که گرفته است از خودش دو مثل آن گرفته میشود یک مثل آن حق اجوره عمله بوده بآنها داده میشود، و مثل دیگر آن بقسم جزای نقدی بخزینه دولت سپرده میشود و خودش پنجسال محبوس میماند).

(۶۹) - هرگاه یکی از مامورین دولت در مزائده واردات دولت دست بازی نموده موجب نقصان آن گردد (از ماموریت طرد و از یکسال الی سه سال حبس میشود، و همانقدر نقصانیکه در واردات دارد نموده است از و بقسم توان گرفته میشود).

(۷۰)- هرگاه یکی از مامورین دولت برای تمتع و استفاده خود سترأ و یا علناً با لذات و یا علی طریق المشارکه، در خریداری بعضی اسبابهائیکه بوزارت و یا اداره او لازم بوده از طرف دولت در انخصوص امر داده شده باشد، و یا در خرید بعضی اشیاائیکه بحساب دولت خریده میشوند، و یا در فروش چیزهائیکه از طرف دولت برای او سپرده میشود، مشارکت ورزیده بود (از ماموریت طرد و از یکسال تا سه سال حبس).

(۷۱)- اگر در خرید و فروخت این اموال سرکاری اجرت وساطت بگیرد (از ماموریت طرد و از یکسال تا سه سال حبس).

(۷۲)- مامورینیکه برای خود، و یا برای دیگران پیشه سرکارپرا برداشت مینمایند (از ماموریت طرد و از یکسال تا دو سال حبس).

فصل پنجم

(کسانیکه نفوذ ماموریت خود ها را استعمال پچانموده و وظیفه مامور خود را ایفا نمی

نمایند)

(۷۳)- مداخله کردن مامور بصورت جبر و تحکم در حق مدعی یا مدعی علیه بنابر یک غرض و حمایه، در حضور محاکم شرعیه عدلیه و اداره (طرد از ماموریت).

اگر مداخله بصورت رجا و التماس بوده باشد (از دو صد الی دو هزار روپیه از ملتمس جزای نقدی گرفته میشود).

(۷۴)- اگر در نتیجه جبر و تحکم از محکمه بناحق یک حکم صادر گردد (مامور مداخله کننده از ماموریتش طرد و از ششماه تا سه سال حبس).

هرگاه در نتیجه رجا و التماس از محکمه بغير حق حکم صادر شود (علاوه بر آنکه از ماموریکه رجا و التماس نموده جزای نقدی گرفته شود از دو ماه الی ششماه بندی هم میماند).

(۷۵)- قاضی های محکمه ها و اعضای مجلس های مشوره علاوه بر امضا نکردن بر مداخله که جبراً و یا التماساً بوقوع آمده است میباید که احوال آنرا نیز بدولت اطلاع و اخبار نمایند و الا اگر در یکی ازین دو امر فروگذاشت نموده بودند (عزل از ماموریت).

(۷۶)- رئیس های مجلس و یا قاضی های محکمه هائیکه معامله را از روی جبر و التماس شنیده آنرا اجرا کرده باشند (شش سال طرد از ماموریت و یکسال حبس).

و اعضای آن (تنها شش سال طرد از مأموریت).

(۷۷)- اگر یک مأمور در اجرا نکردن یکی از اوامر و قوانین و نظامات دولت، و یا برای تحصیل نشدن اموال دولت صرف نفوذ بنماید (از سه سال تا پنجسال حبس).

(۷۸)- اگر کسانیکه باینطریق صرف نفوذ مینمایند از مأمورین دولت نباشند (از دو سال تا سه سال حبس).

(۷۹)- هرگاه کدام وزیر و یا نایب الحکومه، و یا حاکم اعلی یا حاکم و علاقه دار، و مستوفی و سررشته دار، و قاضی و مأمور مالیه، و مدیران تجارت و زراعت و گمرک در داخل منطقه مأموریت خود، تجارت خرید و فروخت ارزاق را در دست خود گرفته بالذات اجرا نماید، این تجارت خواه علنی باشد یا سری (از مأموریت طرد میشود و از یکهزار الی بیست هزار روپیه جزای نقدی میدهد) فقط در جائیکه هست اگر از خود املاک و اراضی داشته باشد تجارت محصولات زمین های خودش ازین قاعده مستثنی میباشد.

(۸۰)- هرگاه مأموریکه بلا عذر معقول، فرمانها و امر نامه هائیکه دولت نشر نموده باشد نشر ننماید (طرد از مأموریت).

(۸۱)- هرگاه یک مأمور بلا سبب مقبول در ایفای وظیفه خود غفلت و اهمال ورزد، و یا امری را که از طرف آمرش موافق به احکام قانونیه داده شده باشد اجرا ننماید، اگر ازین عدم اجرا برای دولت یک ضرر برسد، نظر بدرجه ضرر (از پنجصد روپیه تا ده هزار روپیه جزای نقدی).

و هرگاه از آن بسیاست دولت یک ضرر برسد از (دو سال تا سه سال حبس). و اگر از آن برای یکی از رعایا یک ضرر مالی رسید علاوه بر جزای فوق (تاوان همان ضرر از وی نیز گرفته میشود).

فصل ششم

(تعدی مأمورین دولت بر رعایا)

(۸۲)- هرگاه یکی از مأمورین برای اعتراف کنانیدن جرم، بریک شخص مظنون و یا متهم با ذیت و اشکنجه اوامر نماید، و یا خود با لذات اجرا دارد (از مأموریت برای همیشه طرد، استرداد رتبه و نشان، حبس ده سال). اگر کدام اشکنجه از صدمه شکنجه وفات یابد، (کسیکه اشکنجه او را امر داده است جزای قاتل را می بیند).

(۸۳)- هرگاه یکی از مأمورین در حق یک محبوس از طرز مجازاتیکه قانون تعیین نموده است، بالاتر و سنگین تر آنرا اجرا نماید و یا اجرای آنرا بدیگر بفرماید (از یک سال تا سه سال حبس).

(۸۴)- هرگاه یک مامور مخالف طرزیکه آنرا قانون نشان داده است بخانه یکی از رعایا داخل شود (از سه ماه تا سه سال حبس). اگر هم در خانه داخل شود، و هم بخواهش خود، به اجرای جستجو و تفتیش قیام و اقدام نماید (از یکسال تا سه سال حبس).

(۸۵)- اگر غیر از مامورین یک آدم دیگر در خانه یک کسی بی آنکه خانه خودش باشد، جبراً و یا خود تهدیداً و تخویفاً و یا آنکه خفیتاً داخل شود (از یکماه الی یکسال حبس).

(۸۶)- هرگاه یکی از مامورین مال و ملک یکی از رعایا را جبراً اشترا و یا به ادعای بی معنی ضبط کند و یا بفروشد (مال و ملکیکه گرفته شده دوباره بصاحبش عیناً و یابدلاً اعاده میشود، خود مامور طرد و از شش ماه تا سه سال).

(۸۷)- اگر یکی از مامورین دولت، از رعایا زیاده از محاصل دولت یک چیزی اضافه ستانی نموده آنرا در کیسه خود بریزد (علاوه بر استرداد و چند مقداریکه گرفته است از دو سال الی سه سال حبس).

هرگاه خودش نگرفته، و مبلغ اضافه را بخزینة دولت تحویل نماید (همان مبلغ از خود او گرفته بصاحبش داده می شود).

(۸۸)- هرگاه یک مامور و یا یک رئیس و سرکرده اهالی غیر از خدمتھائیکه بموجب کدام نظامنامه و یا فرمان پادشاهی امر شده باشد رعایا را بیگار گرفته از آنها کار بگیرد (اولاً حق اجرت عمه بیکار از وی گرفته بعمله داده میشود، وثانیاً از ششماه از سه سال حبس میشود، و اگر از جمله مامورین باشد از ماموریت هم طرد میگردد).

(۸۹)- هرگاه از مامورین دولت و یا آدمهای شان، و یا منصبداران و سپاهیان نظامی و کوتوالی در خانه رعایا و اهالی فروکش گردیده هفت و جبراً طعام بخورند و یا برای اسپ های خودجو و کاه و غیره بگیرند (قیمت اشیائیکه گرفته و خورده اند استرداد گردیده بصاحبانش داده میشود، از ماموریت طرد و از یکھفته تا یک ماه حبس).

اگر فوق نظامی در اثنای کوح از یکجا بدیگر جا مرتکب اینچنین حرکت گردد (قیمت چیزھائیکه گرفته شده باشد بقسم توان از منصبدار فوق که با ایشان درین جرم شریک بوده گرفته میشود، و خود منصبدار در دیوان حرب در تحت محاکمه آمده از خدمت عسکری طرد، و از یکسال تا سه سال محبوس میماند).

فصل هفتم

(کسانیکه بر مأمورین دولت مخالفت کنند و به آنها بی اطاعتی یا تحقیر نمایند)

(۹۰)- کسیکه مأمورین دولت را در اثنای ایفای وظیفه شان و یا در یک امری که متعلق خدمت شان با سده از کدام سببی برای شکستاندن قدر و ناموس شان تحقیر کند، و یا در حق شان اطاله لسان یعنی زبان درازی نماید و یا خود تخویف نماید (از یکهفته الی یکماه حبس).

اگر این معامله در اثنائیکه یک محکمه و یا یک مجلس مشوره بکار مشغول باشد واقع گردد (از شش ماه تا یک سال حبس و یا از دو صد الی چهار صد روپیه جزای نقدی).

(۹۱)- کسانیکه سپاهیان و منصبداران نظامی و کوتوالی و پولیس را در اثنای وظیفه شان حقارت کنند (از یکهفته الی یکماه حبس، و از بیست روپیه تا دو صد روپیه جزای نقدی). اگر در اثنای این حقارت سلاح هم کشیده شود، یکسال حبس).

(۹۲)- کسانیکه یکی از مأمورین و یا از سپاهیان و منصبداران نظامی و کوتوالی و پولیس را در اثنای ایفای وظیفه و یا بخاطر وظیفه شان که ایفا مینمایند، ضرب و جرح و یا اینکه جبر و تشدد نمایند (علاوه بر جزای مستلزم ضرب و جرح، از یکسال تا سه سال حبس).

فصل هشتم

(کسانیکه محبوس را میگریزانند، و یا ارباب جنایت را میدانند و حمایت مینمایند)

(۹۳)- هرگاه از پیش سپاهی یا منصبدار نظامی و پولیس که بر محافظه یک محبوس مامور باشند بسبب غفلت و بی پروائی محبوس بگریزد نظر بدرجات اهمال و غفلت شان اگر محبوس محکوم باعدام باشد (از هشت تا ده سال حبس).

و در باقی آن از ربع تا ثلث میعاد حبس مقرر محبوس را پوره میکند.

و اگر محبوس مذکور را قصداً بگریزانند (هرگاه محبوس باعدام محکوم باشد پانزده سال حبس، و پایانتر از آن نصف مدت محکومیت محبوس را جزای حبس می بیند).

و هرگاه محبوس هنوز محکوم علیه نگردیده باشد و در باره او حکم محکمه صادر نشده باشد و قصداً او را بگریزانند (از سه تا چهار سال حبس).

(۹۴)- هرگاه یکی از رعایا اسبابی را که فرار محبوسین را تسهیل نماید تهیه و تدارک کند (از یکسال تا سه سال حبس).

(۹۵)- کسانیکه برای تسهیل فرار محبوسین برای شان سلاح و سائره تدارک نمایند (از ده سال تا پانزده سال حبس).

(۹۶)- کسانیکه یک بندی فراری و یا اشخاص متهم بالجنایت را شناخته حمایت مینمایند (از یکسال تا سه سال حبس). و خویشاوندانش از اصول و فروع، از قبیل پدر و مادر و ازدواج و اولاد شخص مذکور از مجازات معاف میباشند.

فصل نهم

(کسانیکه مهر را می شکنند، و یا اشیای امانت و اوراق رسمی را می دزدند)

(۹۷)- از طرف مامورین دولت مهریکه برای حفظ بعضی اشیا و یا اوراق و یا کدام محل وضع شده باشد، هرگاه آن مهر از سبب غفلت و سهل انکاری کسیکه بمحافظه آن مامور است شکسته شود (از ماموریکه غفلت نموده است از دو صد روپیه تا یکهزار روپیه جزای نقدی گرفته میشود).

(۹۸)- کسیکه مهر را شکستاده باشد (از ششماه تا یکسال حبس). اگر مهر را خود همان ماموریکه بمحافظه آن گماشته شده شکستاده باشد (از یکسال تا سه سال حبس).

(۹۹)- علاوه بر شکسته شدن مهر هرگاه بعضی اشیا و اوراق هم دزدی شده باشد (بعد از تاوان اشیا از پنجسال تا ده سال حبس).

(۱۰۰)- کسانیکه اوراق رسمیه دولت را سرقت و یا محو و اتلاف نمایند (از یکسال تا دو سال حبس).

اگر سرقت و یا محو و اتلاف آن از طرف ماموریکه محافظ آن است بعمل آید (از سه سال تا پنجسال حبس).

و اگر سرقت و یا محو و اتلاف آن از غفلت و سهل انگاری ماموریکه محافظ آن است بوقوع آید (تنخواه یکماهه اش بقسم جزای نقدی گرفته میشود، و از یکهفته تا یکماه حبس).

(۱۰۱)- اگر شکسته شدن مهر و سرقت اوراق رسمیه، و محو و اتلاف آن از طرف بعضی اشخاص بصورت هجوم بر محافظ آن بعمل آید، هر یک از هجوم کنندگان (از پنجسال تا ده سال حبس).

(۱۰۲)- هرگاه مامور پوسته خصور رسمی و خصوصی که به پوسته خانه او سپرده میشوند، آنرا بکشاید، و یا در کشادن آن مساعده نماید (از بیست روپیه تا صد روپیه جزای نقدی، و از یکماه تا سه سال حبس).

فصل دهم

(کسانیکه بی اختیار و ماذونیت، بخود ها صفت رسمیه اضافه مینمایند)

(۱۰۳)- کسیکه بی صلاحیت و ماذونیت خود را چنان نشان بدهد، که گویا بیک منصب ملکی و یا نظامی منسوب بوده علوتاً به ایفای وظایفیکه بآن منصب عاید است جرأت ورزد (از یکماه تا دو سال حبس).

(۱۰۴)- کسیکه بدون ماذونیت دولت سر بخود حقداری و بحق رسانی کسی را نماید (از یکماه تا یکسال حبس).

(۱۰۵)- کسیکه اموال غیر منقوله را که از نزد وی حکماً گرفته شده و مستحقش تسلیم گردیده باشد، بالتکرار ضبط نماید (از یکسال تا دو سال حبس).

(۱۰۶)- کسیکه نشانی را که از طرف حکومت برای او داده نشده باشد بیاویزد، و البسه رسمیه بالاتر از رتبه خود با بپوشد، و یا در حالیکه هیچ رتبه نداشته باشد لباس رسمی در بر کند (از یکهفته تا یکماه حبس).

فصل یازدهم

(کسانیکه سلسله مخابرات تلغراف و تلیفون را خراب کنند)

(۱۰۷)- کسانیکه آلات تلغراف و تلیفون را قصداً خراب نمایند (علاوه بر دو چنند قیمت ضرر از سه ماه تا دوسال حبس).

(۱۰۸)- کسیکه سیم تیلیفون و تلغراف را بریده و چوب های آنرا انداخته، موجب تعطیل و تعویق مخابرات گردد (از کیسال تا سه سال حبس، و از پنجصد روپیه الی دو هزار روپیه جزای نقدی).

(۱۰۹)- اگر این معامله بریدن و تخریب سیم های تیلیفون و تلغراف، در اثنای یک محاربه و یا اختلال بوقوع آمد (اعدام).

فصل دوازدهم

(قلب چلانها)

(۱۱۰)- کسانیکه مسکوکات قبل میسازند، و قلب چلانی میکنند (از ده تا پانزده سال حبس).

(۱۱۱)- کسانیکه پیسه قلب را نادانسته داد و ستد مینمایند، هیچ مستحق جزا نمیشوند، فقط بعد از آنکه قلب شناسی را آموخته باز هم بچلانیدن آن کوشش ورزند (از بیست روپیه تا صد روپیه بجزای نقدی محکوم میشوند).

فصل سیزدهم

(کسانیکه سند و یا مهر ساخته گی می سازند)

(۱۱۲)- کسانیکه فرمانهای پادشاهی و مهر های حکومت و مهر ها و امضاهای مأمورین دولت، و اوراق سنداتیکه تعلق بدفتر ها باشد، تقلید و تحریف نموده استعمال کنند (هرگاه از آن منفعت حاصل گردد دو چند همان مقدار از وی جزای نقدی گرفته شده، از ده سال تا پانزده سال حبس).

هرگاه از فرمان ساخته گی پادشاهی بدولت یک ضرر کلی برسد (اعدام). کسانیکه اینگونه اوراق ساخته گی و محرف را بدست آورده استعمال نمایند (از پنجسال تا ده سال حبس).

(۱۱۳)- هرگاه یکی از مأمورین خواه در میان سطر های اعلام و فیصله آرا و سندات و سائر سجلات دفاتر که در اثنای ایفای وظیفه خود مینویسند، یا بتغییر خط و خاتم و امضا و یا در صورت نوشتن اسم یک شخص بعوض شخص دیگر تحریفات نموده اینگونه ساخته کاری نمایند (از ده سال تا پانزده سال حبس).

(۱۱۴)- هرگاه یک مامور در اثنای ایفای وظیفه خود، در وقت نوشتن اوراق رسمیه که تنظیم میکند، یک چیز را که یک آدم نگفته است بقسم گفته گی او، و چیز را که گفته باشد برعکس آن نوشته بدینصورت ساخته کاری نماید (از ده سال تا پانزده سال حبس).

- (۱۱۵) - رئیس های مجلس و قاضی های محکمه که اوراق ساخته گی و قاعده های فوق الذکر را دانسته در موقع اجرا بگذارند (از ده سال تا پانزده سال حبس).
- (۱۱۶) - کسانیکه به اداره های گمرک بیان نامه ها و بیجک های ساخته گی و محرف و خلاف حقیقت را ابراز نمایند (از یکهفته تا یکماه حبس، و از دو صد روپیه تا دو هزار روپیه جزای نقدی).
- (۱۱۷) - کسانیکه خواه برای خلاص کردن خود و یا دیگران از خدمت دولت بنام طبیب ها شهادت نامه ساخته گی بسازند (از یکسال تا سه سال حبس).
- (۱۱۸) - همچنان طبیب ها و جراح هائیکه خواه مبنی برشوت و خواه بنابر خاطر و التماس برای رهانیدن یک آدم از خدمت دولت شهادتنامه کاذب بدهند (از یکسال تا سه سال حبس).
- (۱۱۹) - کسانیکه بنادانی و ناشناسی چیز های ساخته گی و تقلیدی را استعمال میکنند (از جزا معاف هستند).

فصل چهاردهم

(آتش زندگان)

- (۱۲۰) - هرگاه یک آدم در داخل شهر و قریه بخانه کسی قصداً آتش زده باعث سرایت کردن آن به بناهای دیگر گردد، حریق و سوخته گی که بدینصورت ظهور کند فاعل آن (اعدام).
- و اگر از همانخانه بخانه های دیگر سرایت نکند (حبس دوام). و اگر چه سرایت نکنند و موجب تلف نفس یکی از اهالی همانخانه گردد (اعدام).
- (۱۲۱) - کسانیکه خواه در داخل شهر و خواه خارج شهر در وقوع یافتن حریق تشبث بنمایند، و لکن بفعال آورده نتوانند (از پنج سال تا به ده سال حبس).
- (۱۲۲) - کسیکه چوبهای بریده و محصولات درویده را مانند خرمن و غیره آتش بدهد (بعد از تاوان بصاحبش از سه سال تا پنجسال حبس).
- (۱۲۳) - هرگاه حریفی که قصداً از طرف آتش زندگان بوقوع آید موجب وفات انسانها گردد (شرر انگیزان اعدام می شوند).
- (۱۲۴) - کسیکه یک آدم را بآتش زدن امر و اجبار نماید اگر چه آتش زده گی بوقوع نیاید (شخص جابر از سه سال تا پنجسال حبس).

فصل پانزدهم

(در خصوص شراب)

(۱۲۵)- در افغانستان ساختن شراب و استعمال و ادخال آن و مسکرات دیگر مملکت بالکلیه ممنوع است، مگر چرس و بنگ که از محصولات افغانستان است، تنها استعمال و خرید و فروش آن برای استعمال در داخل ممنوع است، اعمال و اخراج آن بممالک خارجه ممنوع نیست.

(۱۲۶)- کسانیکه علناً شراب نوشی نمایند (هشتاد دره ضرب میشوند، و فی دره (۱۰) روپیه جزای نقدی).

(۱۲۷)- کسانیکه خفیتاً شراب نوشی نموده، از آثار بیانیه یعنی از بعضی قرائن و استدلالات خفیتاً شراب نوشی شان بقرار شرعی ثابت گردد (هشتاد دره ضرب میشوند، و فی دره (۱۰) روپیه جزای نقدی).

(۱۲۸)- کسانیکه شراب بديگران میفروشند (هزار روپیه جزای نقدی و سه سال حبس).

(۱۲۹)- کسانیکه شراب سازی مینمایند، بعد از اتلاف شراب او (هزار روپیه جزای نقدی و سه سال حبس).

(۱۳۰)- کسانیکه از خارج شراب را بافغانستان ادخال مینمایند (شرابش اتلاف و بقدر نصف قیمت شراب از وی جریمه گرفته میشود، و تا سه سال حبس).

همه قواعد این فصل خاص به اهل اسلام و تبعه افغانیه عاید است، فقط در باره تبعه اجنبی کسیکه برای تجارت بافغانستان شراب را داخل کند و یا به افغانها بفروشد بموجب قاعده های فوق جزا می بیند.

(۱۳۱)- کسانیکه چرس و بنگ میکشند و یا تریاک میخورند، هرگاه سن شان از (۲۵) کم باشد (از ۲۵ تا ۳۹ دره جزای ضرب). و هرگاه زیاده تر از (۲۵) باشد و نو عادت کند (از ۵۰ تا ۷۵ دره جزای ضرب).

برای کسانیکه از سابق گرفتار چرس و بنگ باشند تا دو سال معاف، بعد از دو سال (از ۵۰ دره الی ۷۵ دره ضرب).

برای تریاکیان عملی (نصیحت موثره).

فصل شانزدهم

(کسانیکه بازنگر بازی میکنند و یا مانند آن حرکات مخالف اخلاق و آداب عمومیه مینمایند)

(۱۳۲)- کسانیکه علناً و یا خفیناً بازنگر بازی کنند (شش ماه حبس، و از چهار صد الی پنجصد روپیه جزای نقدی).

(۱۳۳)- کسانیکه علناً و یا خفیناً بازنگری کنند (یکسال حبس).

(۱۳۴)- هرگاه پدر و اقربای یک بچه در پیشروی خود همان بچه را برقصیدن مساعده نمایند (دو صد روپیه جزای نقدی).

(۱۳۵)- برای هر دسته بازنگر فی نفر (ده روپیه جرم).

باب دوم

فصل اول

(جنایت و یا جنحه هائیکه در حق اشخاص بوقوع میرسند)

(۱۳۶)- در مسائل قتل و جرح برای تفصیلات احکام قصاص و دیت، قاضی باید که بکتاب تمسک القضاة الامانیه مراجعت بکند.

(۱۳۷)- قتل عمد:- قتل عمد قتلایست که باستعمال آله قاتله قصداً حادث شود، چون سلاح و باقی اسباب کشتنی.

قتل شبه عمد: قتلایست که بغیر سلاح و آلات کشتنی بیقصد اتلاف حادث شود.

(۱۳۸)- هرگاه شخصی شخص دیگر را بصورت عمد قتل نماید (قصاص).

(۱۳۹)- هرگاه فاعل قتل عمد نا معلوم باشد (دیت از عاقله گرفته میشود).

(۱۴۰)- هرگاه قاتل بر فعل قتل عمداً قرار باشد، ورثه مقتول او را عفو نمایند (ده سال حبس).

(۱۴۱)- هرگاه تنها یک نفر از ورثه مقتول قاتل را که بر فعل قتل عمد اقرار نکرده عفو نماید بعد از دیت (پنجسال حبس).

(۱۴۲)- و اگر بسبب قومداری و لحاظ پیسه داری قاتل از طرف ورثه مقتول عفو شود (بهمه حال از طرف دولت حکم قتل در باره اش در معرض اجرا گذاشته میشود).

- (۱۴۳) - هرگاه یکی از ارباب جنایت و شقاوت مستمره برای بعمل آوردن یک جنایت عظیم مردمان دیگر را غدارانه اشکنجه و یا اذیت نماید سیاستاً بجزای قاتل محکوم میشود.
- (۱۴۴) - هرگاه شخصی بصورت شبه عمد کسی را بقتل رسانید (دیت شرعی).
- (۱۴۵) - هرگاه شبه عمد مکرر شد (سیاستاً اعدام).
- (۱۴۶) - اگر دیت شرعی داده نتواند، بعوض هر هزار روپیه دیت (یکسال حبس).
- (۱۴۷) - اگر ورثه مقتول دیت را عفو کند (یا سه و نیم هزار روپیه و یا سه و نیم سال حبس).
- (۱۴۸) - و اگر عفو در حق یک قوم دار و دولت مند باشد (یا پنجهزار روپیه و یا پنجسال حبس).
- (۱۴۹) - کسیکه جسد یک مقتول را اخفا نماید، و یا بی آنکه بحکومت خبر بدهد دفن کند (از یکماه تا یکسال حبس).
- (۱۵۰) - هرگاه شخصی شخص دیگر را لت و کوب و یا جرح نمود و موجب قطع و شکستن و سقوط عمل یعنی از کار برآمدن یکی از اعضایش گردد علاوه بر دیت شرعی در صورت عمد از (دو سال الی سه سال حبس) و از غیر عمد از یکسال الی دو سال حبس میشود.
- (۱۵۱) - شخصی که شخص دیگر را لت و کوب و یا مجروح نموده زیاده از بیست روز موجب از کار پس ماندن او گردد، اگر بمطابق احکام تمسک القضاة الامانیة قصاص و یا دیت لازم لازم نباشد بعد از ادای اجر طبیب و مرهم بها (از یکسال تا دو سال حبس).
- (۱۵۲) - اگر مضروب و یا مجروح کم از اندازه که در قاعده فوق بیان شد متاثر و معطل گردد شخص زنده و جرح کننده اگر بمطابق احکام تمسک القضاة الامانیة دیت و یا قصاص لازم نشود بعد از مرهم بها (از یکهفته تا یکماه حبس).
- (۱۵۳) - کسیکه مخص بعرض تخویف و تهدید سلاح بگشود (از یکماه تا سه ماه حبس).
- (۱۵۴) - کسانیکه از آبا و اجداد و امهات خود یکی را ضرب و جرح نماید هرگاه ضرب و جرح موجب یک بیماری و مرض نگردد (از شش ماه تا یکسال حبس).
- و اگر زیاده از بیست روز موجب بیماری گردد (از یکماه تا دو سال حبس). و اگر سبب سقوط یکی از اعضا شد علاوه برویت شرعی و قصاص (از سه سال الی پنجسال حبس).
- (۱۵۵) - کسیکه بمقصد قتل و از سلاح نمود (پنجسال حبس).
- (۱۵۶) - کسیکه خطاءً سبب تلف یک آدم گردد، اگر کیفیت قتل از عدم دقت و یا عدم رعایت بنظامات صادر گردیده باشد (بعد از دیت شرعی از شش ماه تا یکسال حبس).

(۱۵۷)- هرگاه شخصی خطاً شخص دیگر را مجروح بسازد (بعد از دیت شرعی که ادا نماید اگر کیفیت جرح از عدم رعایت بنظامات پیش آمده باشد از یکماه تا شش ماه حبس).

(۱۵۸)- هرگاه یک شخص به امر یک جابر شخصی را جبراً او کره‌ها قتل کند و یا ضرب و جرح نماید، جزای قاتل و ضارب و جرح در حق آمرش اجرا میشود.

(۱۵۹)- هرگاه کسی در هنگام شب و یا روز شخصی را ببیند که بخانه و یابد کانی نردبان گذاشته می‌براید و قفل و یا زلفی که در زیر قفل است آنرا می‌گشود و می‌شکند و یا دیواریکخانه مسکون را سوراخ و یا دروازه اش را لختک میکند، و یا در صرا و دشت مال را جبراً گرفتن بخواهد و بغرض باز داشتن و ممانعت، صاحب خانه و یا صاحب مال شخص مرتکب را قتل و جرح نماید، و بغیر قتل و جرح امکان نداشته باشد قاتل و جرح شخص مذکور از جزای قاتل و جرح بکلی معاف دانسته می‌شود.

(۱۶۰)- کسیکه در خانه خود مرد بیگانه را با حرم خود دیده او را بقتل رساند نیز از جزا معاف دانسته میشود.

(۱۶۱)- شخصیکه نامه تهدید قتل بفرستد بدین مضمون که در صورت عدم ایفای مطلوبات خود او را محو و اعدام خواهد نمود (از سه سال تا پنجسال حبس). اگر تهدید شفاهاً بوقوع آید (از سه ماه تا یکسال حبس).

فصل دوم

(جنحه و جنایاتیکه متعلق باسقاط جنین هستند!)

- (۱۶۲)- زنیکه به استعمال وسایط مخصوصه، و یا از طرف دیگری به استعمال آن رضا داده موجب اسقاط جنین خود گردد (علاوه بر تاوان شرعی دو صد روپیه جزای نقدی و از ششماه تا یکسال حبس).
- (۱۶۳)- کسیکه برضاییگزن تدارک وسایط مخصوصه نموده جنینش را اسقاط نماید (علاوه بر تاوان شرعی دو صد روپیه جزای نقدی، و از یکسال تا دوسال حبس).
- (۱۶۴)- هرگاه درین اثنا حامله وفات گردد و سقط جنین، (علاوه بر تاوان شرعی از پنجسال تا ده سال حبس).
- (۱۶۵)- در صورتیکه بدون رضای زن وسایط مخصوصه استعمال کرده شود، و یا افعالی مانند ضرب و جرح موجب سقوط جنین گردد، فاعل (علاوه بر تاوان شرعی از پنجسال تا ده سال حبس).
- (۱۶۶)- اگر در اثنا اینگونه اسقاط جنین زن وفات نماید (علاوه بر تاوان شرعی پانزده سال حبس).
- (۱۶۷)- هرگاه اینچنین جنایت ها را یک طبیب یا قابله اجرا نماید (علاوه بر جزاهائیکه در قاعده های پنجگانه معین است در حکم هر قاعده که داخل باشد، مقدار جزای قاعده مذکور یک بر یکنیم علاوه میشود).

فصل سوم

(کسانیکه هتک عرض نمایند)

- (۱۶۸)- هر کسیکه با یک بچه فعل شنیع اجرا نماید (اعدام).
- (۱۶۹)- اگر مفعول کمتر از ده سال باشد (از جزا معاف). و اگر کمتر از پانزده سال باشد (۱۱ دره).
- و اگر عمر مفعول زیاده از پانزده سال باشد، و جبراً فعل شنیع در حق او اجرا شود (از جزا معاف).
- (۱۷۰)- اگر مفعول عمرش زیاده از پانزده سال بوده برضا و رغبت خود بفعل شنیع تن داده باشد (اعدام).
- (۱۷۱)- اگر کسی برای بچه بازی بچه نگاه کند (از هزار روپیه الی پنجهزار روپیه جزای نقدی، و پنجسال حبس).

- (۱۷۲)- اگر کسی در حق دختر خانه باکره که هنوز بشوهر هر نرسیده باشد فعل شنیع اجرا کند، هرگاه زانی محصن و عیالدار باشد (اعدام). و هرگاه محصن و عیالدار نشده باشد: (زانی / زانیه) (صددره).
- (۱۷۳)- هرگاه یک مرد محصن با یک زن محصنه برضای جانبین فعل شنیع اجرا نماید. (زانی / زانیه) (اعدام).
- (۱۷۴)- اگر یک مرد غیر محصن یک زنیکه شوهر زن یک عسکری باشد، که در مقابل دشمن بمحابه است، (زانی/زانیه) (اعدام).
- (۱۷۵)- اگر کسی یک زن شوهر دار را که شوهری خواه در سفر و خواه در حضر و خواه زن عسکری و خواه از اهالی باشد بطور جبر و یا حیلہ بگیریزاند (۷۹ دره ضرب و ده سال حبس). در صورت جبر و هیله زن شوهر دار از جزا معاف، و در صورت رضا به جزای مذکور گفتار میشوند.
- (۱۷۶)- اگر کسی یک زن بیوه را و یا دختر خانه را بطور جبر و یا حیلہ بگیریزاند (۳۹ دره ضرب و سه سال حبس میشود).
- (۱۷۷)- اگر یک مرد زن یک عسکر را بگیریزاند، هرگاه شوهرش مسافر باشد (اعدام) و هرگاه حاضر باشد (۳۹ دره).
- (۱۷۸)- هرگاه شخص غیر محصن با یک زن محصنه فعل شنیع اجرا نماید، زانی (صد دره) زانیه (اعدام).
- (۱۷۹)- هرگاه یک شخص غیر محصن با یک زن غیر محصنه زنا کند (زانی / زانیه) صد دره.
- (۱۸۰)- اگر یکی از طرفین در ارتکاب فعل شنیع جبراً مجبور شده باشد (مجبور از جزا معاف دانسته میشود).

فصل چهارم

(شاهدی دروغ و قسم ناحق)

(۱۸۱) - کسانیکه در طرفداری و یا مخالفت یک شخصیکه بقواعد متعلق جنایات متهم گردیده باشد شاهدی ناحق بدهند (۳۹ دره و تشهیر).

(۱۸۲) - کسانیکه در طرفداری و یا مخالفت متهم جنحه و قباحات شاهدی ناحق بدهند (۳۱ دره و تشهیر).

کسانیکه متعلق مسایل حقوقیه شاهدی دروغ و یا قسم ناحق بخورند (علاوه بر مقدار نقصانیکه بصاحب حق رسیده، ۳۹ دره و تشهیر).

فصل پنجم

(بهتان و افترا)

(۱۸۳) - هر کسیکه بقوه اجرائیه و یا بقوه عدلیه و یا بیک ماموریکه واسطه رسانیدن کیفیت است، باین دو قوه اخبار نامه و یا شکایت نامه داده بیک شخصیکه بیگناهی او را محقق میداند، یا از برای غرض بیک ماموری یک گناه را اسناد کند، و یا خود در مخالفت آنشخص آثار دلائل مادی بسازد:

هرگاه جرم اسناد کرده گی از نوع قباحات باشد مفتری (از یکماه الی ششماه حبس).

هرگاه جرم اسناد کرده گی از نوع جنحه باشد (مفتری از ششماه تا دو سال حبس).

هرگاه از نوع جنایت بوده و شخص افتراشده از سبب آن توقیف گردیده باشد (از پنجسال تا ده سال حبس).

هرگاه از نوع جنایت بوده و مفتری علیه توقیف نشده باشد (از دو سال تا سه سال حبس).

(۱۸۴) - هرگاه شخصی بر خلاف شخص دیگر قذف یعنی جرم اسناد زنا را ارتکاب کند:

قذف بر طبق فصل مخصوص تمسک القضاة الامانیة (۸۰ دره ضرب میشود).

(۱۸۵) - هر کسیکه بر خلاف دیگری به تعیین یک جرم مخصوص و یا بیان کردن یک ماده مخصوصه که تشکیل جرم نماید، مردمانرا بحقارت و خصومت خد معروضداشته، و یا کسی را با اسناداتیکه موجب کسر ناموس و اعتبار او باشد ذم کند (از دو ماه تا یکسال حبس).

(۱۸۶)- برای اینکه ذم مذکور مستلزم جزا باشد، واقع گردیدن آن بیکی از صورتهائیکه در ذی نشان داده شده شرط است:

اولاً:- در مواجهه متجاوز علیه در یک مجلس و یا در یک موقعیکه دیگر اشخاص شنیده بتوانند علنی باشد.

ثانیاً:- باید بصورت رسم و نوشته قاریقاتور که بر عموم نشر و تشهیر میگردد، و یا بر بعضی مردمان توزیع گردیده باشد و یا مکتوب کشاده که براه راست به متجاوز علیه فرستاده شده باشد و یا بواسطه ورقه پوست وقوع یافته باشد.

رابعاً:- باید با هر رقم جراید و رسایل یومیه و موقته، و هر نوع مطبوعات و وسایط نشریه واقع شود.

(۱۸۷)- هرگاه بر خلاف شخصیکه با ذم دچار تجاوز گردیده است اس بب ماده که موضوع ذم است تعقیبات قانونیه اجرا شود و متحقق شود که متجاوز بیگناهی شخصی را که بروی تعرض واقع گردیده، دانسته در صدد و پیوستن اسنادات به اوست آنزمان ذم بافترا منقلب گردیده مطابق قاعده که در باره افتراست حکم داده میشود هرگاه خود اثبات صحت و یا شهرت فعلیکه بر متجاوز علیه اسناد نموده بخواد این ادعایش قبول نمیشود.

(۱۸۸)- هرکسیکه بدون تعیین کدام ماده مخصوصه بیک صورت دیگر بر ناموس و یا شهرت، و یا حیثیت یک شخص دیگر مرتکب فعل (قدح) گردد (از یکماه تا ششماه حبس میشود، و یا در مقابل این جزای حبس از دوصد روپیه الی دو هزار روپیه جزای نقدی میدهد).

جرم (قدح) نیز بیکی از صورت های چهارگانه که در باره ذم ذکر شد لازم است که بوقوع بیاید، فاعل قدح هرگاه اثبات کردن چیزهائی را که اسناد کرده است ادعا نماید مسموع نمیشود.

(۱۸۹)- هرگاه بدون ذم و قدح یکی بر خلاف دیگری اطاله لسان نماید، و یا بیک اشارت مخصوصه اجرای حقارت نماید، حقارت کننده (از پانزده روز تا یکماه حبس، و یا در مقابل این حبس از پنجاه روپیه تا صد روپیه جزای نقدی میدهد).

(۱۹۰)- اطبا و جراحان و عطاران و قابله ها اسرار شخصیه را که باقتضای صنعت شان بانها سپرده میشود در غیر احوالیکه قانوناً به اخبار آن مجبورند افشا نمایند (از بیست و چهار ساعت الی یک هفته حبس، و از ده روپیه الی چهل روپیه جزای نقدی).

فصل ششم

(سرقت کنندگان و دزدان)

(۱۹۱)- هرگاه از میان دو نفر و یا زیاده از آن تنها یک نفر شان مسلح بوده در اثنای شب دیوار یکخانه و یادکانیکه در آن اسنان اقامت میوزد شگافته، و یا آنکه قفل آنرا شکستاده، و یا خد خویشن را مانند مامورین دولت نشان داده و یا یک امر ساخته گی که از یک مامور دولت گرفته باشد ابراز نموده بدرون داخل شده و آنجا جبر و شدت نموده دزدی کنند، اگر بمطابق تمسک القضاة الامانیه حد لازم نشود (بعد از تاوان هر یک از دزدان حبس دوام).

(۱۹۲)- هرگاه دو کس و یا زیاده بران بیک خانه در آمده با اجرای معامه جبر و شدت دزدی کنند، اگر بمطابق تمسک القضاة الامانیه حد لازم نشود، هر یک از دزدان (از ده سال تا پانزده سال حبس).

اگر در اثنای معامله جبر و شدت یک آدم را مجروح سازند (اگر بمطابق تمسک القضاة الامانیه حد و جزا لازم نشود، بعد از تاوان، حبس دوام).

(۱۹۳)- هرگاه در یک خانه که کس اقامت نداشته باشد، بصورتیکه در دو قاعده فوق بیان شد داخل گردیده دزدی کنند، اگر بمطابق تمسک القضاة الامانیه حد لازم نشود، (بعد از تاوان از پنجسال تا ده سال حبس).

(۱۹۴)- هرگاه هنگام شب یکچند نفر یکجا شد در راه عام دزدی نمایند اگر بمطابق تمسک القضاة الامانیه حد لازم نیاید (دوازده سال حبس).

(۱۹۵)- کسانیکه بغیر از همین چند صورت هائیکه در قاعده های فوق بیان گردیده بیک رقم دیگر دزدی کنند، عموماً اگر بمطابق تمسک القضاة الامانیه حد لازم نشود بعد از تاوان مال (از یکسال تا سه سال حبس).

(۱۹۷)- هر کسیکه اسب و سائر حیوانات سواری و باری و عراده و مانند نر گاو و ماده گاو حیواناتی را بدزدد، اگر بمطابق تمسک القضاة الامانیه حد لازم نشود (بعد از تاوان از یکسال تا سه ساله حبس).

(۱۹۸)- هر کسی که آلات و ادوات زراعت و هیزمیکه برای فروش فراهم و احضار گردیده باشند، و چوب تعمیر و مرغهای خانگی و کشتکار دروده و نادروده را بدزدد، اگر بمطابق تمسک القضاة الامانیه حد لازم نشود (بعد از تاوان از سه ماه تا یکسال حبس).

(۱۹۹)- هر کسیکه یک کلید را تقلید کند، و یا یک رقم آله که قفل را بگشاید بسازد (از سه ماه تا یکسال حبس).

(۲۰۰)- هر کسیکه جبراً از دست شخصی یک حجت نقدی و سند قرض را بگیرد (از پنجسال تا ده سال حبس).

فصل هفتم

(کسانیکه در امانت خیانت کنند)

- (۲۰۱)- کسیکه یک کودک را بیک چیزی راضی و قانع گردانیده بحیله از دست وی سند دین یعنی حجت و یا خود کدام ورقه ابرا و تعهد را بگیرد (هر گاه بکودک نقصان رسیده باشد، تاوان آنرا میدهد و علاوه بران ربع مقدار خسارت بقسم جزای نقدی از وی گرفته میشود، و هم از ششماه تا دو سال حبس میماند).
- (۲۰۲)- هرگاه کسی بر یک کاغذ سفید مهر دار و یا امضا دار که به او امانت تسلیم گردیده باشد، امانت داری خد را سوء استعمال نموده بنام صاحب مهر و امضا عباراتیکه متضمن تعهد و یا ابرا بوده، و یا خود برآن یک ریزی بنویسد که صاحب امضا را ذاتاً و یا مالاً نقصان برساند بعد از تاوان شرعی (از یکسال تا دو سال حبس، و از دو صد روپیه الی هزار روپیه جزای نقدی).
- (۲۰۳)- کسیکه بصورت امانت و وکالت سندات، و اوراق اموال، اشیا و نقود و سائره که به او تسلیم گردیده باشد بصاحبش اعاده ننموده بنهای و یا ضایع کند، بعد از جزای شرعی (از ششماه تا دو سال حبس).
- (۲۰۴)- هرگاه شخصی سند شخص دیگری را که برای اثبات دعوی در محکمه ابراز میکند، و یا یک کاغذ دیگری را بی اطلاع یافتن محکمه بدزدد و یا پنهان کند (از پنجاه روپیه تا دو صد روپیه جزای نقدی).

فصل هشتم

(قمار بازها)

- (۲۰۵)- کسانیکه قمار میزنند (مال قمار ضبط و هر یک از قمار بازان ۳۹ دره ضرب).
- (۲۰۶)- کسانیکه در خانه و دکانهای خود پنهانی قمار بازان را آورده از آنها حق نعل میگیرند (از صد روپیه الی پنجصد روپیه جزای نقدی، و ۳۱ دره ضرب).

فصل نهم

(کسانیکه مردم آزاری و بیهوده خرجی میکنند)

(۲۰۷)- کسیکه آلات و ادوات زراعت و صناعت دیگر را بشکند و یا خراب کند (بعد از تاوان آن از یکهفته تا یکماه حبس).

(۲۰۸)- کسیکه حیوانات سواری و بارگیر اسپ عراده و سایر حیوانات دیگر را قصداً اتلاف نماید (بعد از تاوان آن بصاحبش، یکچند مقدار تاوان جزای نقدی از وی گرفته میشود).

(۲۰۹)- کسیکه خندق و جرهائیکه بردورادور اراضی یک شخص دیگر کنده شده باشد، پروخاکریز نماید، و یا احاطه هائیکه از تبه ها و نمار و خس بر اطراف کشت زار کشیده شده ویران کند (بعد از تاوان آن بقدر مقدار تاوان جزای نقدی).

(۲۱۰)- کسیکه طرق عمومیه و یا چشمه، و یا پل و یا ابرو های آب، و یا ابنیه که ملک خود او نباشد بالاختیار هدم و تخریب کند (بعد از تاوان آن از ششماه تا دو سال حبس).

(۲۱۱)- کسیکه بدون یک دست آویز رسمی و حجت شرعی که حق او را اثبات نماید، خود بخود اموال غیر منقوله را که داخل عهده تصرف شخص دیگری غیر منقوله را که داخل عهده تصرف شخص دیگری باشد ضبط و مداخله نماید (بعد از استرداد چیز ضبط گردیده گی از یکماه تا ششماه حبس).

(۲۱۲)- کسیکه نهانستان ها و کشت زار های را که هنوز بکمال نرسیده باشد قطع و تلف نماید، و یا بمقصد تخریب در آن حیوانات را بکشاید (بعد از تاوان آن از بیست روپیه تا صدر روپیه جزای نقدی).

اگر این نهانستان تخریب شده عبارت از نهالهای باغ و یا نهالهای قیمتی و میوه دار باشد (بعد از تاوان از یکماه تا دو سال حبس، و از دو صد روپیه الی دو هزار روپیه جزای نقدی).

فصل دهم

(قواعد جزائیه که متعلق با طبّا و جراحان و عطار است)

(۲۱۳)- طبیبان و جراحان و عطارانیکه بنا بر سوء قصد، به بیمار دواى مخالف داده موجب موت و وفات مریض گردند (اعدام).

(۲۱۴)- اینچنین یک دواى مخالفیکه بنا بر سوء قصد داده شده، هر چند که موجب موت و بلاک مریض نگردیده، باعث شدت بیماری و مریض شود طبیب و یا عطار و جراح (برای اینکه آینده در هیچ جا اجرای صنعت نتوانند، شهادتنامه شان ضبط میشود، و از سه سال الی پنجسال حبس).

(۲۱۵)- طبیبان و یاجراحان و عطارانیکه سهواً بمریض دواى مخالف داده، و یا بهر حال در فریضه ماموریت خود ها غفلت و اهمال نموده این سهو و اهمال شان سبب موت مریض گردد (برای اینکه آینده در هیچ جا اجرای صنعت نتوانند شهادتنامه شان ضبط، و دو هزار روپیه جزای نقدی میدهند).

(۲۱۶)- اگر ازین سهو و اهمال مریض وفات نیافته بلکه موجب شدت بیماریش گردد (از یکماه تا یکسال حبس).

(۲۱۷)- داکترها و اطباى یونانی که از مدیریت مستقله طبیه اجازت نامه معالجه نداشته در شهر کابل بمداواى اهالی پردازند، اگر از معالجه شان هیچ آسیبی هم به بیمار نرسد (از پنجد صد روپیه الی هزار روپیه جزای نقدی مییابند).

باب سوم

(جرمهائیکه از نوع قباحت باشند)

فصل اول

(جرمهای ذیل جرمهائیسست از نوع قباحت که از مامورین صادر گردد، و هر کدام مستلزم جزائیسست که درجه آن در برابر همان جرم نوشته شده)

(۲۱۸)- مامورینیکه در مقابل امر های خود بی حرمتی و سرکشی نمایند (از پانزده روز تا یکماه حبس) و یا (از دو تا تا چهار ماه تنخواهش بقسم جزای نقدی وضع میشود) اگر سرکشی در مقابل یک تنبیهی که متعلق به ایفای وظیفه او بوده بعمل آید (لا اقل یکماه حبس و از ماموریت عزل).

(۲۱۹)- مامورینیکه در حین ایفای امریکه امر های شان داده باشد سستی و جهل انگاری نشان بدهند (در نوبت اول تنخواه یکهفته، و در دفعه دوم تنخواه پانزده روزه و در مرتبه سوم تنخواه یکماهه او قطع گردیده، نوبت چهارم از یکهفته الی پانزده روز حبس گردیده از ماموریت عزل میشود).

(۲۲۰)- علی العموم مأمورینیکه در خدمات و وظایف خود غیر حاضر می مانند (بمطابق نظامنامه حاضری جزای بینند).

(۲۲۱)- مأمورینیکه در خارج وظیفه از روی حیثیت مأموریت خود حرکتهای نا مناسب بنمایند (در نوبت اول اخطار، بار دوم در حضور دیگر رفقاییش تویخ، دفعه سوم قطع تنخواه یکماهه او، مرتبه چهارم عزل از ماموریت).

فصل دوم

(جرمهای ذیل علی العموم از نوع قباحت بوده مستلزم جزای هستند که در برابر هر کدام نوشته باشد)

(۲۲۲)- در راه و سرکها، حاکروبه ها و گندگیها و سائر چیزهائیکه موجب بدبوئی و تعفن باشند، انداختن و به بی پروائی بالای کسی خاک جاروب و چرکاب ریختن، و بر روی سرکها حسب اللزوم بعضی چقوریهها کنده شبانه بر بالای ان فانون نگذاشتن (از یکروپیه الی بیست روپیه جزای نقدی).

(۲۲۳)- در داخل شهر و دیهات در جاهائیکه احتمال ضرر باشد پطاقی انداختن (از ده روپیه الی پنجاه روپیه جزای نقدی).

(۲۲۴)- در داخل شهرها بلا لزوم تفنگ زدن (صد روپیه جزای نقدی).

مراد از تفنگ زدن در شهر فقط همان مناطق شهر از آن مطلوب است که از طرف قوماندان محلی محدود و تجزیه کرده میشود.

(۲۲۵)- در جائیکه مردمان جمع باشند اسپ دوانیدن (از ده روپیه الی پنجاه روپیه جزای نقدی).

(۲۲۶)- کسیکه از گرفتن سکه دولت بقیمت معینش انکار و استتکاف ورزد (از ده روپیه الی سی روپیه جزای نقدی).

(۲۱۷)- قصداً بخانه و یا حویلی یک شخص دیگر خاک و سنگ و ناپاکی انداختن، و یا بجائیکه داخل شدن در آن ممنوع است در آمدن و از جائیکه گذشتن از آن ممنوع است گذشتن (از بیست روپیه الی شصت روپیه جزای نقدی).

(۲۲۸)- بدرجه که باعث برهم زدن راحت های گردد بلا موجب غال مغال و شماته کردن (از پنجروپیه تا بیست روپیه جزای نقدی).

(۲۲۹)- اعلاناتیکه با مرحکومت چسپانیده و آویخته شده باشند کندن و پاره کردن (از پنجاه روپیه الی صد روپیه جزای نقدی، و از پانزده روز الی یکماه حبس).

(۲۳۰)- کسانیکه کمتر از نرخ معین مروج اشیا را بفروشند، از بیست روپیه تا هشتاد روپیه جزای نقدی، و از سه روز الی یکهفته حبس).

اگر اشیا فروش از قبیل نان و گوشت و آرد و چوب و زغال باشد که حوایج ضروریه وابسته آن است (جزای نقدی بقرار فوق، مدت حبس از یکهفته الی پانزده روز).

(۲۳۱)- کسیکه جاهائی را که برای منافع عمومیه از قسم طرق عامه و میدانها و تماشا جاها ترک و تخصیص شده باشند خراب و ویران سازد، و یا از طول و عرض آن مقداری برای خود بدزد (جائی را که خراب کرده است بخودش تعمیر

میشود، و جاهائی را که دزدیده است از وی اخذ و استرداد گردیده، بعده از پانزده روز الی یکماه محبوس میماند، و از بیست روپیه الی هشتاد روپیه جزای نقدی میدهد).

(۲۳۲)- کسانیکه بر دیوار های مساجد و جوامع و مقبر ها، و بر سرکها دیوار های عمارتهای سرکاری، و ابنیه خصوصی را به زغال و سیاهی و غیره چرک و خط میکنند و یا درخت هائی را که از طرف حکومت در سرکها نشانیده شده و یا گلزار های را که بر اطراف سرکها طرح شده اند خراب کنند، و یا گلهای آنرا جدا سازند (از پنجروپیه تا پنجاه روپیه جزای نقدی).

(۲۳۳)- جرایمیکه در نظامنامه جزای هذا برای آن (از یکروپیه الی دو صدر روپیه جزای نقدی) و از (یکروز الی یکماه جزای حبس) مقرر گردیده کافه آن از نوع قباحت میباشند.

(۲۳۴)- کسانیکه هنگام شب چراغهای گادی را خاموش گذاشته باشند (دو روپیه).

هر گاه چراغ بایسکل باشد (یکروپیه).

هرگاه چراغ موتر باشد (بیست روپیه جزای نقدی).

(۲۳۵)- در اثنای مرور و عبور غیر پیاده بر سرکها بدست چپ خود نرفته بدست راست بروند (پنجروپیه جزای نقدی).

(۲۳۶)- گفتن الفاظ رکیک و لغو و طعن و استهزاء، غیر تدف (پنجروپیه جزای نقدی).

(۲۳۷)- جنگ دادن طیور و حیوانات (بیست روپیه جزای نقدی).

(۲۳۸)- در داخل شهرکبوتر پرانی و کاغذ پرانی، و بدون عذر بالای بام بر آمدن که از آن همسایه متضرر شود (پنجاه روپیه جزای نقدی). لیکن کاغذ پرانی بدون بام، و محض نگهداشتن کبوتر بدون پراندن معاف است.

(۲۳۹)- جنگ های خفیف و گفتگو های بازاری که روز مره واقع میشود، در صورتیکه یکی از جانبین بدائره پولیس عرض کند (از پنجروپیه الی بیست روپیه جزای نقدی و از یکروز الی نکهفته).

(۲۴۰)- آویختن مرغ زنده از پا برای فروختن در بازار (در روپیه جزای نقدی).

(۲۴۱)- اسپ را در بازار ایستاده کرده، و خود جلو آنرا گرفته برد کاین نشتن (پنجروپیه جزای نقدی).

(۲۴۲)- بر حیوان یا بر یک عراده از مقدار نظامنامه اضافه از طاقتش بار کردن (از پنجروپیه الی بیست روپیه جزای نقدی).

(۲۴۳)- استنجا بدست بر سرکها لا ابالیانه گشتن (یکروپیه جزای نقدی).

(۲۴۴)- کسانیکه مانند مسجد و تربت و مانند آثار شریفه و یا بنیه و عماراتی را که از تزئینات بلدیه میباشند خراب و خنه دار نمایند، و یا درخت ها و نهال هائیکه در راه ها و سرکها و کوچه ها و یا صحن مسجد باشند ببرند (بعد از ادای توان مقدار ضرر از صد روپیه تا هزار روپیه جزای نقدی، و از یکهفته تا یکماه حبس).

(۲۴۵)- با اجرای احکام این نظامنامه وزارة عدلیه مامور است.

ACKKU

ضمیمه نظامنامه جزای عمومی

- (۱)- دزدانیکه بخانه شخصی برای دزدی رفته به بردن مال موفق نشوند و جرحی هم واقع نشود، هرگاه در جماعه آنها زیاده از یک نفر مسلح باشد صاحبان سلاح (حبس دوام).
و یاقی نفریث شان از (ده سال الی پانزده سال حبس).
- هرگاه تعداد نفری زاید از سه نفر بوده تنها یکنفر مسلح باشد مسلح (از هشت سال الی ده سال حبس). و باقی نفری آن (از پنجسال الی هشت سال حبس)، هر گاه تعداد نفری از سه کس کمتر باشد شخص مسلح (از چهار سال الی پنجسال حبس).
- (۲)- در صورت عدم حصول مصارف محکمه از محکوم علیه در مرکز بموجب تحقیقات وزارت متعلقه اش و در ولایات و محالات بقرار تحقیق کوثالها و در حکومتی ها بذریعه حکام محلی تحقیق گردیده بمحاکم شرعیه برسد فیصله دعوی مجاناً بلابدل داده شود.
- (۳)- کسانیکه بجریمه غیر واقعات قتل و تعزیر حبس محکوم بوده در حین حبس ادای جزای نقدی را کرده نتواند در مقابل هزارو پنجصد روپیه جزای نقدی خود حبس یکسال را مجبور است که در مجلس طی کند.
- (۴)- کسانیکه به اتهام جنحه و جنایتی توقیف شوند و در محاکم عدلیه اصل فعل برادشان ثابت شود ایام مده حبس شان از ابتدای توقیف محسوب است.
- (۵)- محصول فیصله فقرات قتلیکه دیت بطریق قسامت حکم میشود زاید از شش روپیه که قیمت اصل فیصله است گرفته نشود.
- (۶)- کسانیکه عنداللزوم بوزارت ها و دوائر دولت جلب میشوند، اگر قریه دار و یا کلانتر و دیگر مامور تصدیق حاضر نبودن و بیماری شخص جلب شده را بنماید و کذب ظاهر شود مصدق کاذب (از بیست روپیه الی دو صد روپیه جزای نقدی میدهد).
- (۷)- محبوسینیکه از توقیف خانه ها فرار مینماید و باز دستگیر شوند اگر محبوسین جنحه بوده از محاکم شرعیه بر آنها حکم حبس صادر شده باشد ربع میعاد حبس مقرر و اگر محبوس جنایت باشد ثلث میعاد حبس معینه خود ها را علاوه بر جزای سابقه خود ها اکمال مینمایند الا قبل از محکومیت و صدور حکم محاکم شرعی فرار کنند (از شش ماه الی یکسال محبوس میمانند).
- (۸)- کسانیکه توقیف و بزیر استنطاق اند و هنوز حکم شرعی بر او شان صادر نگردیده از باعث غفلت بهره دار فرار کنند، اگر مفروری متهم جنحه باشد محافظ غافل (از یکماه الی یکسال حبس) و اگر متهم جنایت باشند (از یکسال الی سه سال حبس).

(۹)- اشخاص متهم بالقتل که قبل از محکومیت خفیتاً وارثان مقولین را بمبلغ و یا جنس معینی رضامند ساخته ورثه در محکمه شرعیه سوگند بدهد و یا اسقاط سوگند نمایند و کار سازی شان ثابت شود که قبل از مرافعه حکومت و قضا برای پامال کردن قتل مصالحه نموده اند مناصفه وجه مصالحه از ورثه و شخص متهم بطریق علی السویه جزای نقدی گرفته میشود.

(۱۰)- شخصی که بموجب نظامنامه جزا ایام حبس را تکمیل نماید و یا بواسطه اتهامی توقیف شده باشد حین رهائی ضامن گرفته نمیشود.

(۱۱)- گریختان زن عسکری که شوهرش مسافر و بخدمت باشد در صورت اقرار زن که برضای خود رفته باشد (اعدام).

و الا بقراین قطعیه ثابت شود (از ۴۹ الی ۷۹ دره تعزیر).

(۱۲)- سرقت اموالیکه نصاب شرعی را که مراد از هفت قرآن است پوره نکند (از بیست روز الی یکماه حبس).

(۱۳)- کسانیکه اشیاء تقلیدی مثل کرده کلت کرده طلا و نقره و امثال آن را بقیمت اصل جنس فروخته به اینقسم ساخته کاری نماید بعد از تاوان مال (از یکسال الی سه سال حبس).

(۱۴)- کسانیکه عیال منکوحه کسی را که شوهرش مسافر باشد برای دیگری بفریب عقد نکاح نماید (از یکسال الی سه سال حبس).

(۱۵)- کسانیکه آبا و اجداد و امهات خود را بقتل برسانند اگر قرار تمسک القضاة الامانیة قصاص لازم نشود سیاستاً (اعدام).

(۱۶)- مصارف محکمه بر خلاف قاعده (۱۷) نظامنامه جزا قبل از تضمینات شخصیه ورد اموال مسروقه و دیت شرعی گرفته میشود.

(۱۷)- اگر در جمله دزدان علاوه از یکنفر مسلح بوده قرار قاعده (۱۹۱) دزدی نماید تحت قاعده (۴۸) اجرا میشود.

(۱۸)- کسانیکه شخصی را بعوض شخص دیگری که حقیقتاً آنشخص حاضر نباشد در محکمه آورده برای فوائد خود یا بقرب از اقرار شخص غایب وثیقه شرعی را حاصل نمایند.

کذا بعضی اشخاص در واقعه مذکور تصدیق نمایند، هرگاه منفعتی حاصل کرده باشند به شخص ضرر رسیده مسترد گردیده و بهمان مقدار جزای نقدی از اشخاص فریب کننده علی السویه استحصال میشود و نفری مصدقین جزای شاهد زور می بینند، اگر فائده تحصیل نکرده باشند فریب کننده گان و مصدقان معامله مذکور جمعاً جزای شاهد زور می بینند.

(۱۹) - اشخاصیکه بدزدی و داره و تاراج شهرت پیدا کرده باعث اخلال امنیت ورفاه عامه بشوند باید اشخاص درست و روشناس آنجا در محکمه ابتدائیه مرکز ولایت و محال رفته صورت واقعه را سجل شرعی نمایند، و مامورین دولت از شخص علاقه دار الی نایب الحکومه همانجا معلوماتیکه در باره آنها داشته باشند نیز تحریر کرده قانوناً بهر محکمه که تعلق داشته باشد بسپارد این معلومات مدار حکم شرعی میگردد، اگر شهرت دزدی و داره و تاراج متواتر باشد (اعدام) و اگر شهرت غیر متواتر باشد (از پنجسال الی ده سال حبس). و اگر شهرت محدود باشد نقل مکان.

(۲۰) - کسانیکه محکوم به نقل مکان گردیده خلاف حکم بحکومتی منفی واپس عود نمایند اگر ثانیاً منشاء فساد و داره و تاراج گردند (اعدام). (الا از پنجسال الی ده سال حبس).

(۲۱) - اگر فاعل قتل عمد نامعلوم بوده ورثه مقتول بر شخص معین دعوی اصل فعل و بر مالک مقتول دعوی دیت و قسامت شرعی را نمایند بواسطه خود قتل از نفری بالغ ذکور همان محله و موضع که جسد مقتول ظاهر شده فی نفر پنجرویه بطور جریمه جزای نقدی گرفته میشود، بدیگر محله و با قریه جریمه مذکور نفوذ میکند.

(۲۲) - از ولایات و حکومتیهای اعلی مجرمینیکه از پنجسال اضافه درباره شان حکم حبس میشود و از حکومتیهای مربوطه ایالت کابل اشخاصیکه زیاده بر سه سال مستوجب محبوسی باشند در هر سال بدو مراتبه محبوساً مرکز کابل فرستاده شوند، تا در توقیف خانه مرکزی اوقات محبوسی آنها پوره شود.

(۲۳) - کسانیکه مبداء اشاعه و نشر خیرهای خلاف واقع متعلق سیاست داخلی مملکت شوند (از بیست روز تا یکماه حبس، و یا از یکصدروپیه الی دو صدروپیه جزای نقدی) احکام انی ماده را قوماندانهای کوتوالی ولایات و حکام زمانیکه این بیانات افواه سبب پریشانی اهالی شود موقتاً الی رفع اینچنین افواه اجرا میدارند.

(۲۴) - اشخاصیکه چپیرا حکومت اعلان نکرده باشد بحکومت نسبت داده در بین اهالی نشر و شاعی کنند (از ده روز تا یکماه حبس، و یا از بنجاه روپیه الی دو صد روپیه جزای نقدی).

(۲۵) - شاهدانی که بزنا شهادت داده اند در زمان رجم زانی غایب یا فوت شده باشند محکوم علیه مذکور تعزیراً (بضرب ۷۹ دره و تشهیر محکوم میشود).

(۲۶) - شاهدی که شهادت ناحق بدهد علاوه بر ضرب و تشهیر که در فصل چهارم جزای عمومی نشان داده شده (از سه ماه الی شش ماه حبس).

(۲۷) - کسیکه ورثه مقتول را بر عفو کردن از قصاص ثابته مجبور کند (قاتل سیاستاً اعدام، و اگر اهال کننده یک هزار روپیه جزای نقدی و یکسال حبس).

- (۲۸)- در کندن یا تراشیدن بقدر ربع و اضافه از آن موی سر و ریش مرد را اجباراً (از یکماه الی سه ماه حبس، و از دو صد روپیه الی پنجصد روپیه جزای نقدی) و اگر موی سر زن را قدر ربع و اضافه از آن کنده یا تراشید (از سه ماه الی ششماه حبس، و از پنجصد روپیه الی هزار روپیه جزای نقدی گرفته میشود) و در کندن و تراشیدن موی مرد و زن که مادون از ربع باشد در تحت حکم قباحت می آید.
- (۲۹)- کسیکه بیک صدمه غیر فعل زنا بکارت باکره را زائل نماید علاوه بر مهر مثل (از سه ماه الی ششماه حبس).
- (۳۰)- زنیکه با دیوانه زنا کند (از ۳۹ دره الی ۷۵ دره ضرب).
- (۳۱)- مردی که با زن اجنبیه بغیر زنا و لواطه بباقی اعضای او دست درازی و یا مساس کند در صورتیکه مرد اکراه کند تنها مرد، و در صورت رضا زن و مرد هر دو از (۲۵ دره الی ۳۹ دره ضرب، و از یکسال الی دو سال حبس).
- (۳۲)- رقاصی زن بحضور مردان هر واحد (از ششماه الی یکسال حبس و از دو صد روپیه الی سه صد روپیه جزای نقدی) وزن (از ده دره الی پانزده ضرب، و از دو صد روپیه الی سه صد روپیه جزای نقدی).
- (۳۳)- زنهاییکه به بد افعالی متواتره شهرت پیدا کنند (از ده دره الی پانزده ضرب، و از دو صد الی سه صد روپیه جزای نقدی).
- (۳۴)- شخصیکه پدر و یا مادرش از ایذاء و یا اطوار ناپسند او بمحاکم شاکی شوند (از سه دره الی یازده دره ضرب، و یا از یکماه الی چهل روز حبس).
- (۳۵)- زنیکه بدون عذر شرعی و بلا اذن شوهرش در خانه مردمان اجانب برود از هفت دره الی بیست و پنج دره ضرب.
- (۳۶)- شخصیکه در مقابر رفته کفن میت را بکشد (از یکماه الی سه ماه حبس).
- (۳۷)- کرایه کش ها و کسانیکه بخدیعت اخذ ببعانه میکنند و از عهده انجام عمل برآمده نمیتوانند بعد از استرداد وجه (از ده روپیه الی دو صد روپیه جزای نقدی).
- (۳۸)- کسیکه شخص مستامن را بکشد سیاستاً (اعدام).
- (۳۹)- در ماده (۱۰) نظامنامه جزای عمومی که لفظ صحن وزارت عدلیه مذکور است به عوض صحن ولایت منظور است.

- (۴۰)- ضمیمه ماده (۳۰) نظامنامه جزای عمومی (و اگر اصل فاعل مستلزم دیت شرعی و یا جزای نقدی یا ضرب باشد کسانیکه فرعاً ذی مدخل باشند، بقدر دو ثلث جزای اصل فاعل جزا می بیند).
- (۴۱)- اگر بعضی از ورثه معاون قتل مورث خود بوده عفو نماید چون عفو او مسقط قصاص میگردد قاتل سیاستاً (اعدام).
- (۴۲)- زنیکه فرغادی مدخل یا محرک قتل شوهر خود گردد و قتل بعمل آید سیاستاً (اعدام).
- (۴۳)- ضمیمه قاعده (۲۷۰) امر و نیز در صورت رضا از (۱۰) دره الی (۱۵) دره ضرب، و از دو صد روپیه الی سه صد روپیه جزای نقدی.
- (۴۴)- در مسئله زنا که حد شرعی بشبه ساقط شود از ۳۹ دره الی ۷۵ دره ضرب.
- (۴۵)- علاوه قاعده (۱۴۲) اگر اولیای مقتول با قاتل و مقتول قرابت پدر و مادر، برادر و خواهر داشته باشد و قاتل را عفو کند ازین حکم مستثنی است.
- (۴۶)- زنیکه شوهرش غایب بشاد و خودش حامله گردیده بر زنا اقرار و نسبت فعل را بر یک شخص منکر نماید، ارگ برضای خودش فعل وقوع یافته باشد (۷۵) دره ضرب.
- (۴۷)- برای شخصیکه باسنتنای قتل که جزای آن بعد العفو در نظامنامه جزای عمومی تعیین یافته مرتکب یک جرمی گردد و از طرف مدعی آن اگر عفو صادر شود، و آن جرم با قرار خود مجرم ثابت باشد تعزیراتیکه به تخصیص همان جرم در نظامنامه جزای عمومی تعیین یافته در باره او اجرا میشود.
- (۴۸)- اشخاصیکه سندات تقلیدی یا تحریفی درباره مدعی علیه خود بمحاکم دولت ابراز نمایند ذیلاً مجازات مییابند:-
- الف: اگر از قبیل حجت و قباله و امثال آن باشد ثلث مقدار مندرجه سند.
- ب: اگر بغرض دچار نمودن مدعی علیه خود را بیک مجازات قانونی باشد در حالیکه بآن سند مدعی علیه محکوم باعدام گردد، هفت سال حبس، و غیر آن ثلث مجازات محکوم علیه.
- (۴۹)- اگر بر اقرار قاتل عمداً مامورین دولت که رسماً بتحقیقات ابتدائیه موظف هستند در محکمه شرعیه گواهی داده ورثه مقتول عفو نمایند مجرم به مجازات قاعده (۱۴۰) محکوم میشود.

(۵۰) - اشخاص متخاصمین که بمحاکم عدلیه یا اداره های دولت در اثنای محاکمه و تحقیقات باهم مشاتمه کنند از محاکم عدلیه بموجب امر قضاة در کوتوالی محلی و بدیگر دوائر دولت از طرف آمر همان اداره که اختیار اجرای قباحت را داشته باشد در باره آنچنان اشخاص مجازات قباحت اجرا میشود.

(۵۱) - کسیکه متهم بفقور باشد اگر یک امرد را باکراه بگریزند (۳۹) دره ضرب و از شش سال الی ده سال حبس. و اگر بخدعه و فریب ببرد ((۳۹) دره ضرب و دو سال حبس).

اگر یک شخص مستورالحال، باکراه بگریزند ((۲۵) دره ضرب، و سه سال حبس) در صورت خدعه (ازیکسال الی دو سال حبس).

امرد در صورت رضا بمجازاتی که گریزاننده محکوم شده محکوم میشود. و اگر یک طفل را بگریزند که مظنه بد فعلی نباشد خاص گریزاننده بمجازات شدید قباحت محکوم میشود.

(۵۲) - مامورین ما تحت هرگاه علاوه بر اختیارات خود بوظائف آمران شان جرئت ورزند و ازین خلاف ورزی آنها چیزی ضرر نرسد از یکهفته الی یکماه تنخواه شان کسر میشود و اگر برای دولت یک ضرری برسد نظر بدرجه ضرر (از پنجصد روپیه الی ده هزار روپیه جزای نقدی).

صورت امضای قضاة

چون بتوجهات شاهانه اعلحضرت شهريار غازي ايدہ اللہ تعالیٰ نظامنامه هذا جمع گردیده این خادمین دین سرفراز از ماموریت امضای آن گردیدیم، بنابراین دعای تائیدات غیبی وجود مسعود اعلحضرت شانرا بصدر نیاز کرده مرقوم میداریم که این نظامنامه جزای شرعی عمومی را از سر تا پا بدقت ملاحظه و مطالعه کردیم همه احکام و مندرجات آنرا در هر باب باحکام کلیه جلیله شریعت غرای محمدی صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم مطابق، و با ایجابات سیاستی عصر و زمان موافق یافتیم.

خادم العلماء

محمد عبدالواسع قندهاری عفی عنہ

مهر قاضی عسکر افغانستان مولوی سیف الرحمن

مهر قاضی القضاة

مهر قاضی محکمه مرافعه جزا عبدالرحمن

مهر قاضی محکمه مرافعه حقوق عبدالحمید

مهر قاضی محکمه وثیقه جات حقوق شرعیه عبدالرشید

مهر قاضی محکمه شرعیه ابتدائیه حقوق محمد امین

مهر قاضی محکمه شرعیه ابتدائیه جزا عبدالجلیل